

سال درد، سال مرگ، سال فروریختن آرزوهای بلند، سالی که در تداوم اشغال وطن توسط امپریالیسم و شرکا، سال پاندمی کرونای امپریالیستی که جهان را مات و مبهوت کرد، فجایع لاینقطع و کشتار همه روزهی مردم توسط اشغالگران و نوکران زنجیری اش (حکومت دست‌نشانده، طالبان و داعش) ضایعه‌ای بزرگ در جنبش چپ افغانستان بوقوع پیوست و در تلاطم امواج بی‌پایان جنگ و ویرانی، ستم و نابرابری، حکومت کرگسان، لاشخوار و فجایع ممتد، رفیق ضیاء رهبر خردمند حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ما را تنها گذاشت و برای همیشه از میان ما رفت.

او در زندگی پربار خود فرازوفرودهای سختی را پشت سرگذاشت و شخصیت اثرگذار و درخشان در جنگ استقلال و مبارزه شکوهمند طبقاتی در چهار دهه‌ی اخیر بود. او شاهد دوبار، اشغال وطن توسط سوسیال امپریالیسم شوروی سابق، جنگ استقلال و خروج شوروی‌ها و سپس اشغال دوباره‌ی وطن توسط امپریالیسم امریکا و شرکا بود. در سال ۱۳۵۷ شمسی آنگاه که جلادان باندهای «خلق‌وپرچم» وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی سابق توسط کودتا به قدرت رسیدند و شروع به دستگیری، زندان و کشتار اعضای جنبش دموکراتیک نوین و مردم کردند، رفیق ضیاء یکی از معدود مبارزانی بود که از آن کشتار وحشیانه جان‌به‌سلامت برد. او شاهد سبعانه‌ترین کشتار دسته‌های بیشمار کادرهای برجسته‌ی «سازمان جوانان مترقی» و جنبش دموکراتیک نوین توسط حکومت کودتایی و مردم خوار خلق‌وپرچم بود.

او شاهد فروریختن کامل جنبش چپ و پراکنده شدن اعضای باقی مانده آن در گروپ‌های مختلف بود، او شاهد رویزیونیزم وسیع در بقایای جنبش چپ بود، و عملاً می‌دید که آن نسل سردرگم چگونه در میان گروهک‌های جهادی مضمحل و بخش دیگر تسلیم حکومت کودتای «خلق‌وپرچم» وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی سابق شدند.

در عصری که تسلیم‌طلبان رویزیونیست چپ با امکانات دولتی و استخباراتی باد در غیغب انداخته و ژست انقلابی می‌گرفتند، این تنها رفیق ضیا بود که یک تنه در برابر طوفان حوادث سینه سپر کرد و در جبهه‌ی تیوری و پراتیک انقلابی درفش آغشته به خون رفقای جانباخته‌ی ما را از میان خون و آتش، دود و باروت برداشت و به اهتزاز درآورد.

رفیق ضیاء در یک پروسه‌ی طولانی و خستگی‌ناپذیر از تیوری انقلابی که می‌رفت در میان حملات و کشتار جنبش دموکراتیک نوین توسط «خلق‌وپرچم» کاملاً نابود شود، غبار زدایی کرد و همت گماشت تا دیگر بار تیوری رهایی و نجات توده‌های تحت ستم و مبارزه‌ی بر حق طبقاتی در پرتوی م. ل. م. علم انقلاب پرولتاریا درخشش و تابندگی خود را در عرصه ملی و بین‌المللی باز یابد.

توجه عمیق رفیق ضیا روی اصل «مبارزه‌ی دو خط» در جنبش چپ و تشکیلاتی که خود موسس و گرداننده‌ی آن بود، از او چهره‌ی محبوب و تیوریسن آگاه، متبحر و متعهد در سطح جهانی ساخت. نوشته‌های متعدد او در برابر رویزیونیزم «سنتز نوین» باب اوکیان او را به مدبرترین، تیزبین‌ترین و متعهدترین مشعلدار م. ل. م. تبدیل کرد، و بدینسان در تحت تلاش‌های تیوریک رفیق ضیا «حکما» اولین افشاگر رویزیونیسم «باب اوکیان» در عصر حاضر در سطح ملی و بین‌المللی است که دست آورد بزرگ و مایه‌ی افتخار است.

در دوره سیاه اشغال بیست ساله‌ی وطن توسط امپریالیسم امریکا و شرکا، رفیق ضیاء چپ رانده شده از تیوری و پراتیک را نیز میدید که چگونه برای غسل تعمید و دست‌بوسی امپریالیسم دست از پا نشناخته و نوکری و در یوزگی می‌کنند. بنابراین بیشترین افشاگری او در عریان نمودن چهره کریه رویزیونیزم در داخل و خارج بود. او به‌ما آموخت که هیچگاه از دیالکتیک و «مبارزه‌ی دوخط» نباید دست کشید و با مبارزه‌ی پیگیر و مداوم باید تیوری انقلابی را با پراتیک انقلابی در پرتوی تلمع م. ل. م، جنبش را از بی‌راهه و کج‌راهه نجات داد.

با درد و اندوه فراوان یک سال را در فراق رهبر فقید پشت سرگذاشتیم اما گنجینه‌ی از نوشته‌ها، گفتار، نقدها و رهنمودهای او با ما و در میان ما است و او همیشه با ما و در قلب ماست. یاد، خاطرات و راه درخشانش را همیشه با خود داریم و برای تحقق آرمان‌های سترگ انسانی‌اش جان‌بازانه مبارزه می‌کنیم و به پیش می‌رویم.

زنده باد م. ل. م علم رهایی پرولتاریا

پرتوان باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

گرامی باد یاد، خاطرات و راه درخشان رفیق ضیاء